



اقتصاد ایران؛ نگاه‌ها

این روزها، اقتصاد ایران و معضلاتی که پیش‌روی آن قرار دارد، بحث و تحلیل‌های متفاوتی را در محافل داخلی و خارجی برانگیخته است. فرهنگ توسعه بدون هیچ‌گونه تفسیری، گوشه‌هایی از این بحث‌ها را جهت آشنایی خوانندگان با دیدگاه‌های ناظران اقتصادی و سیاسی داخلی و خارجی منعکس می‌نماید. گزارش «اقتصاد ایران؛ نگاه‌ها» با این نیت در مجله به چاپ رسیده است.

معاملات ارزی، برنامه اصلاح اقتصادی، ناگزیر به حالت تعلیق درآمده است. اعمال این کنترل‌ها، تورم لیجام گسیخته را مهار کرده، اما این سؤال مطرح است که دولت تا چه زمانی قادر خواهد بود ارزش ریال را به صورت مصنوعی، در سطح بالا نگاه دارد؟ (ویژه‌نامه مید، تابستان ۱۹۹۵)

«چنان که می‌دانیم، دوران وفور سرمایه سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی به سرآمده و جهان اکنون با کمبود سرمایه و در نتیجه نرخ‌های بالای سود وام‌های اعطایی توسط دولت‌های غربی و مؤسسات اعتباری، مواجه است. از طرف دیگر، با قیمت‌های فعلی نفت خام و با پیش‌بینی‌های به عمل آمده تا سال ۲۰۰۰، نرخ سود بازگشت سرمایه نیز در صنعت نفت پایین است. در حال حاضر، صنعت جهانی نفت، شاهد گریز سرمایه از این صنعت است و از رقابت سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در این قلمرو که در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ به اوج خود رسیده بود، خبری نیست.» (دکتر فریدون برکشلی، پیام امروز، شماره ۷، شهریور ۷۴)

«ایران با صدور دو میلیون و پانصد هزار بشکه نفت در روز، بعد از عربستان، در اوپک مقام دوم را به خود اختصاص داده است، افزایش مصرف داخلی، به موازات تقاضاهای فزاینده بازارهای جهانی از طرفی و فقدان تأسیسات لازم برای افزایش استخراج و تولید نفت، شرکت ملی نفت

سپرده‌گذاری بانکی با سود مطلوب و به طور کلی بی‌علاقگی سرمایه‌گذاران به علت بی‌ثباتی وضع و شرایط اقتصاد کلان. لذا کار و گذاری صنایع به بخش خصوصی که دولت اعلام کرده بود، جز چند مورد استثنایی، تحقق نیافت.» (تیری کوویل، روزنامه لپراسیون)

«در حال حاضر، نقطه ضعف ایران، اقتصاد این کشور است. از سال ۱۹۷۹، با توجه به افزایش جمعیت، شاهد کاهش استانداردهای سطح زندگی بوده‌ایم. در شرایط کنونی، یارانه مواد غذایی، سالانه پنج میلیارد دلار ارزش کشور را به خود اختصاص می‌دهد. نرخ تورم، سالانه از ۲۵ درصد فراتر رفته و در سال‌های اخیر، معضل بیکاری، بیش از دو میلیون نفر را در کام خویش فرو برده است. جنگ و فرار مغزها، ایجاد صنایع مدرن را با معضلات جدی مواجه کرده و میزان محصولات کشاورزی نیز به تبع میزان بارندگی در نوسان است. بی‌شک کاهش سطح استانداردهای زندگی، پیامدهای سیاسی منفی بی‌شماری به همراه خواهد داشت.» (گیت مک لاجلان، آسین افیروز، فوریه ۱۹۹۵)

«دولت‌مردان ایران، پس از مداخله در بازار روز، با هدف پایان دادن به بحران ارزش پول کشور، از اواسط سال ۱۹۹۵، سیاست‌های اقتصادی خود را زیر سؤال یافته‌اند. با تلاش دولت در زمینه تقویت ارزش ریال، از طریق اعمال کنترل‌های موفقیت‌پز

«کمتر نظامی را در جهان می‌توان یافت که چون نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، بر سرمایه‌داری شوریده و پیوسته بدان دشنام دهد، اما عملاً و ناخواسته، به بدترین جنه‌های سرمایه‌داری، بیشترین فایده‌ها را رسانده باشد. ز حساب‌های ملی ایران در نزد بانک مرکزی، تون نشان می‌دهد که در مجموع، چگونه این بنام‌ها در کارنامه اقتصادی ۱۶ ساله انقلاب، به بد منفی تشکیل سرمایه در ایران انجامید و حتی سال‌هایی چند، نرخ استهلاک سرمایه ثابت خالص داخلی کشور از آن پیشی گرفت. از آن سو هم شگفت‌انگیز ۵۸ هزار میلیارد ریال نقدینگی که نش عمده آن در دست گروه‌هایی خاص است، سان می‌دهد که سرمایه‌داری غیرمولد چگونه بیشترین بهره‌ها را از آن خود کرد و چگونه بر اقتصاد ملی سیطره یافت.» (۱) (عمید نائینی، پیام امروز شماره هشتم، مهرماه ۱۳۷۴)

«صنایع ایران که در پایان جنگ، هفتاد درصد در دست دولت بود، قرار بود که از طریق «بورس ایران» که از اواخر سال ۱۳۶۹ فعالیت خود را از سر گرفت، به بخش خصوصی واگذار شود. اما رانایی بورس تهران برای انجام چنین کاری به کلی کافی بود و این امر چند علت داشت؛ علاقه بخش خصوصی به خودگردانی و تغییرناپذیری و معطاف‌ناپذیری وضعیتی که از انقلاب به بعد برفعال مانده بود، اخلال و دستکاری در سهام،

ایران را با موقعیت دشواری مواجه کرده است. اگر ایران نتواند به تقاضاهای بازارهای جهانی پاسخ بدهد، آرام آرام از صحنه رقابت حذف خواهد شد. در حال حاضر، برخلاف ایران، عملیات اجرایی برای صدور نفت در کشورهای دیگر، بسیار ارزان تمام می‌شود. این امر، نوساناتی را در بازار نفت ایران به همراه خواهد داشت. برای دولت، درآمد نفت، اساساً رضایت‌بخش نیست. درآمد نفت، از سال ۹۰ تا ۹۳، از ۱۷/۳ میلیارد دلار به کمتر از ۱۵ میلیارد دلار رسید، در حالی که، تنها راه پاسخ به معضلات اقتصادی ناشی از انفجار جمعیت، توسعه مبادلات خارجی از طریق افزایش عواید نفت است. (کیت مک لاجان - آسین افیرز، فوریه ۱۹۹۵)

«صنعت نفت ایران در مقام چهارمین شرکت نفتی بزرگ جهان، دارای ۷۰ تا ۷۵ میلیارد دلار سرمایه ثابت است و با توجه به استانداردهای بین‌المللی، حفظ و اداره امور عادی چنین بنگاه اقتصادی و صنعتی عظیمی نیازمند ۸ تا ۱۰ درصد همین سرمایه ثابت است. یعنی هزینه‌ای حدود ۶ تا ۷ میلیارد دلار در سال که نزدیک به نیمی از کل درآمد نفتی کشور را شامل می‌شود.» (دکتر فریدون برکشلی، پیام امروز، شماره ۷، شهریور ۷۴)

«مسئله صادرات در تمام دنیا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و تمام کشورها تلاش می‌کنند از صادرات تک‌محصولی خارج شده و در صنایع خود، تنوع ایجاد کنند، زیرا اقتصاد تک‌محصولی، نوسانات ناخوش‌آیندی پیش می‌آورد و موازنه از دست می‌رود. در بعضی از کشورها روی یک محصول صادراتی، بیشتر تکیه شده و آن‌ها دچار نگرانی هستند... در برنامه پنج‌ساله اول و به خصوص در برنامه پنج‌ساله دوم در بخش نهم برنامه توسعه، ۳۴ بند راجع به تشویق صادرات و ایجاد تسهیلات لازم برای صادرکنندگان و تشویق صادرات غیرنفتی، آمده است... ما نباید مشکلات ارزی مان را خودمان حل کنیم. از یک طرف تحریم اقتصادی، از یک طرف تعهدات ما به خارجی‌ها... این‌ها چگونه باید حل شود؟ حرکت آغاز شده است، اما کافی نیست. در مجلس و دولت روی توسعه صادرات بسیار کار می‌شود. برای دومین بار در تاریخ ایران، سقف ارز صادراتی ما به بیش از ۴ میلیارد دلار رسید. در سه‌ماهه اول امسال، ۵ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل، رشد صادرات غیرنفتی داشتیم. در مسئله فرش تا حدی رکود پیش آمده است. سی درصد از تعهد ارزی فرش را که ۱۰۰ درصد قراردادها بودند، تخفیف دادند که کار گشاست. ما از نظر برنامه‌های مختلف، تعدیل اقتصادی را انتخاب کردیم، ولی صلاح کشور ایجاب می‌کند که در زمانی، نرخ ارز تثبیت شود.» (آیت‌اله مجتهد شبستری، امام جمعه تبریز در سمینار بررسی مشکلات و تدوین نظام صادراتی

کشور در تبریز)

«توسعه صادرات یک انتخاب نیست که در مقابلش انتخاب‌های دیگر وجود داشته باشد یا اگر این راه را نرفتم، راه‌های دیگری هم برای ما باز باشد. برای این که به این مسأله با عدد و رقم بپردازم، گزارشی را که گات در مورد حجم تجارت جهانی منتشر کرده است، عرض می‌کنم. در سال ۱۹۸۲، حجم تجارت جهانی ۲۲۸۴ میلیارد دلار بوده است. در سال ۱۹۹۲ یعنی ده سال بعد، تبدیل به ۴۶۱۰ میلیارد دلار شده است. یعنی در یک دهه، حجم تجارت جهانی بیش از دو برابر شده است. رشد متوسط تجارت جهانی در دهه ۹۲ - ۸۲، سالانه ۶/۶ درصد است. در حالی که میزان رشد تولید ناخالص داخلی کشورها در کل جهان در همین دهه، ۲/۹ درصد بوده است. به عبارت دیگر، حجم تجارت جهانی بیش از دو برابر میزان رشد جهانی بوده است. آمار مربوط به سال‌های ۹۴ - ۹۱ نشان می‌دهد در این سه سال، رشد تجارت جهانی ۳ برابر رشد تولید ناخالص داخلی کشورها بوده است. این اعداد مطلب مهمی را بیان می‌کند و آن این که بحث مفصل توسعه صادرات یا جایگزینی واردات از ۱۹۶۰ به بعد، جای خود را به سیاست دیگری داده است. هر چه زمان جلو می‌رود، کمتر کشوری را می‌بینیم که به دنبال خودکفایی باشد، یعنی خودش همه چیز را تولید کند. کشورها می‌روند به طرف تولید انبوه کالاهایی که در تولید آنها مزیت دارند و نگران بقیه کالاها نیستند. به جز کالاهای استراتژیک که آن هم کشورهایی که با دنیا یک سری مسایل دارند، به دنبال آن می‌روند. مثلاً ما اگر دارای ایدئولوژی خاصی نبودیم، شاید ضرورتی نداشت به دنبال خودکفایی بگردیم. به هر حال این اقلام، اقلام استراتژیک محدودی هستند، آن هم برای کشورهایی شبیه ما. از این رو ترس توسعه صادرات به عنوان استراتژی، پذیرفته شده و قطعی است که گریزی در آن نیست. بر این مبناست که به مقطع و مرحله‌ای می‌رسیم که اگر بپذیریم به حق هست، نتیجه می‌گیریم که ادامه حیات کشورمان به صادرات بسته است... صادرات ما در سال ۶۸، یک میلیارد دلار بود. سال گذشته به ۴/۴ میلیارد دلار رسید، یعنی ۴/۵ برابر شده است. اما در نظر بگیرید آن یک میلیارد برای یک کشور ۶۰ میلیونی و همان رقم ۴/۳ میلیارد دلاری خودش چی هست؟ چون رشدش زیاد بوده، ما دلمان را خوش می‌کنیم و می‌گوییم به ارقام تعیین‌کننده و قابل قبولی رسیده‌ایم. مجموع صادرات غیرنفتی ما در سال‌های ۷۲ - ۵۸، معادل ۱۷/۷ میلیارد بوده و مجموع واردات ما در همین سال‌ها ۲۴۵ میلیارد دلار است. یعنی در مقابل یک دلار صادرات غیرنفتی، ۱۴ دلار واردات داشته‌ایم. این عدم نابرابری تراز به خوبی نشان می‌دهد که تا چه اندازه اقتصاد کشور ما وابسته به نفت بوده، حالا این

وابستگی گذرش در یک چشم‌انداز ۱۵ - ۱۰ ساله چگونه خواهد بود؟ خوب است این نکته را از زبان کارشناسان بشنویم: بر مبنای ذخایری که وجود دارد استحصال نفت ما در سال ۱۳۷۷ (یعنی سال دیگر) به نقطه اوج خود خواهد رسید. یعنی در آن سال، روزانه ۴/۵ میلیون بشکه استحصال خواهیم داشت. از آن پس، به تدریج منحنی استحصال نفت، سیر نزولی طی خواهد کرد. مثلاً ۴/۵ میلیون بشکه سال ۷۷، در سال بعد می‌شود ۴/۳ میلیون بشکه.

از طرف دیگر، فرآورده‌های میان تقطیر که الاز چیزی حدود ۱/۴ میلیون بشکه است، اگر با همین آهنگ رشد کنونی پیش برود، منحنی استحصال نفت را تقریباً در سال ۱۳۸۶ یا ۱۳۸۷ قطع خواهد کرد. (معنی این گفته این است که همه نفت استحصالی به فرآورده‌های میان تقطیر تبدیل شده که مصرف داخلی دارد و دیگر نفتی برای صادرات برجای نمی‌ماند.) هشدار جدی از این بابت است، اقتصادی که تا این میزان تکیه بر دلارهای نفتی دارد، ۱۰ - ۱۳ سال دیگر باید از چنین درآمدی دست بشوید. دو راه بیشتر موجود نیست. یا باید بر مبنای همان ترس قدیمی به تاریخ سپرده شده جایگزینی واردات، بگوییم ما به دنیا هیچ کاری نداریم و همه چیز را خودمان تولید می‌کنیم یا الزاماً باید به طرف توسعه صادرات قدم برداریم. زمان برای ما تعیین‌کننده است. اقتصادی که در سال ۱۵ - ۱۴ میلیارد دلار وابسته به دلارهای نفتی بوده، در آینده‌ای نه چندان دور که جمعیتی حدود صد و بیست میلیون نفر خواهد داشت، می‌خواهد مملکت را حتی بدون آن متوسط ۱۵ میلیارد دلار نفتی اداره کند. با این رشد محدودیت صادرات، آقای دکتر کلاتری گفتند: مصالح دیگری ممکن است پیش بیاید که ما در مقطعی مجبور شویم توسعه و حمایت از صادرات را به آن ترتیب ادامه ندهیم. من نگران چنین سیاستی هستم... ما قدرت انتخاب نخواهیم داشت. اگر از حالا برنامه‌ریزی نکنیم، آن موقع که نفت تمام و دلارهای نفتی قطع شد، سرمان بی‌کلاه نخواهد ماند، والا نگرانی در این مورد، بسیار جدی است.» (الویری، رئیس سازمان مناطق آزاد و حراست شده کشور در سمینار مشکلات و تدوین نظام صادراتی کشور)

«مقامات بانک مرکزی آمدند سیاستی را به خرج دادند. به عنوان تزریق به بازار برای پایین نگه داشتن قیمت ارز. این تزریق را با مقدار کم شروع کردند تا متأسفانه به سقف سالانه ۳ میلیارد دلار رسید. یعنی این مبلغ را روانه بازار قاچاق ارز در خیابان اسلامبول و فردوسی کردند. بعد به تجربه دریافتند راه‌گشا نیست و نرخ ارز کشور ما را هر روز صبح بازار دبی تعیین می‌کند. ما با هماهنگی که با هیأت دولت انجام دادیم، وزیر کشور را هم به مجلس فرا خواندیم و خواستیم

بابت در مورد جلوگیری از قاچاق به صورت حاد فعل کند. این مسأله یک اسیب اقتصادی و اجتماعی شده بود. اولین نتیجه کاهش نرخ ارز این بود که ما مشاهده کردیم نرخ دولت با بازار آزاد زیر ۲۰۰ تومان خرید و فروش می شد.

این سیاست اعلام شده، چهار فرآز دارد: اول این که نرخ ارز صادراتی حداقل برای یک سال تثبیت شود، با نرخ ۳۰۰ تومان. دوم این که کلیه صادرکنندگان اجبار داشته باشند با سپردن بیمه نامه ارزی، ارز خودشان را به بانک ارائه دهند. سوم این که دولت نیاز ارزی واحدهای تولیدی را تأمین کند و ارز لازم را به آنها تخصیص دهد. چهارم مبارزه با قاچاق در تمام ابعاد آن صورت گیرد. این که چه باعث شد که نرخ بازار آزاد با نرخ اعلام شده دولت، چنین نزدیک شود و کدام یک از سیاست ها اصلی بوده، برداشت ها متفاوت است. گروهی مثل من بر این عقیده اند که عامل اصلی مبارزه با قاچاق است که به معنی به حداقل رساندن تقاضای ارز از بازار آزاد است، یعنی تقاضای ارز را در بازار آزاد، در محدوده سیاست های بازگانی خلاصه کردن. همین چند روز شنیده شد که قیمت ارز در بازار آزاد ترقی کرده است تحقیق کردیم، متأسفانه اسیب قاچاق دوباره شروع به فعالیت کرده و مذاکرات آغاز شده است. راه عراق باز شده و مبادلات با عراق را دارند انجام می دهند. اطلاع دارم که با تولید ۲۵ هزار تن زیره که ۹۵ درصد آن صادر می شود، آنچه در گمرک ثبت شده یک دهم تولید هم نیست. پس تمام زیره قاچاق می رود. تولید زعفران، ۶ هزار تن است که آمار ثبت شده گمرک به ۶۰۰ تن نیز نمی رسد، بقیه قاچاق می رود. مسأله دیگر سر رسیدن موعد بیمه هاست و عدم توازن بیمه ها با مقدار واقعی صادرات، مشکل آفرین شده است. قرار بود به واحدهای تولیدی به اندازه رفع احتیاجشان ایزر تخصیص بدهند. گفتند ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار در مقاطع یک ماهه، یعنی هر ماه ۱۴۰ میلیون دلار ارز به صنایع تخصیص خواهند داد که عملاً چنین نشد. قسمت اولش را دادند، قسمت دوم می بایست پانزده تیر پرداخت می شد که تا نیمه مرداد پرداخت نشده بود. قسمت سوم که مهم تر از قسمت های دیگر است و در قانون گذاری ما یک ابیذمی به شمار می آید، از مجلس شروع می شود، به هیأت دولت می رود و در وزارتخانه های ما حاکم است. در همه جای دنیا قانونی که می خواهند وضع کنند، اول خود قانون، بعد آیین نامه های اجرایی آن، بعد بخش نامه ها و روش ها همه را تنظیم می کنند، آن گاه قانون را ابلاغ می کنند و اجرای آن بسته به ماهیت قانون یک ماه یا دو ماه بعد صورت می گیرد. ما این ابیذمی را داریم که امروز این قانون را وضع می کنیم، آن را ابلاغ می کنیم که در دل این قانون یا تصویب نامه دولت

احتیاج به ۶-۵ بخش نامه و آیین نامه دارد. قبل از این که بخش نامه ها و آیین نامه ها صادر شود، دولت قانون را ابلاغ می کند و می گوید از امروز قابل اجراست. سه ماه از قانون می گذرد، هنوز آیین نامه اجرایی آن ابلاغ نشده است. حالا به هر طریق با تأخیر، کمیته نرخ گذاری درست شده است. مبنای نرخ گذاری چیست؟ چه روشی معقول تر از این است که قیمت داخلی کالا را تقسیم بر ۳۰۰ کرده، نرخ ارزی آن را تعیین کنید؟ ما از صادرکننده چه می خواهیم؟ فراموش کردیم که در تمام کشورهای صنعتی جهان، قیمت صادراتشان کمتر از قیمت داخلی شان هست یعنی همه کشورهای صادرکننده جهان از مصرف داخلی، بیارانه می دهند به صادرات. ما می گویم مبنای سیستم نرخ گذاری با سیاست های جدید نمی خواند و باید اصلاح شود و حداقل این که سریعاً برسند به این نکته که اختلاف برطرف شود و قرار را بر این بگذارند که مبنای نرخ گذاری بشود قیمت داخلی تقسیم بر نرخ ارز. البته این برای کلیه کالاها امکان ندارد و اگر برای کالاهای صنعتی می خواهیم وارد بازار خارج شویم، باید برویم به طرف ارزی کالا، چون صادرات مشکل تر از این هاست. اگر ما حیات خود را در صادرات غیر نفتی و شکوفایی صنعتی را در حیات این نوع صادرات می دانیم و حیات اقتصادی را در شکوفایی تولیدی می بینیم، چاره ای جز اتخاذ این روش نداریم. در حال حاضر مدت برگشت بیمه آن ارزی، مشکل صادرات است. اما در کنار این ها امیدوارم دستگاه های اجرایی ما به دستورالعمل ها درست عمل کنند. چهار سال است که قانون بانکی، اجازه دارد و باید I.C. را که در مقابل کالاها باز می شود، در سیستم بانکی نقد کند. لاقفل ۶-۵ بار مطرح کننده این مسأله خودم بودم و جناب رئیس جمهور از سیستم بانکی مؤاخذه کردند که چرا این کار انجام نمی شود. امیدوارم برای جبران نارسایی سیستم وصولی مالیاتی، فشار را بر روی کارخانه های تولیدی و بر صادرات فوق العاده نکنند که حالت انفجار و تعطیل کارخانه ها به وجود خواهد آمد. امید دارم مسئولان این نکته را دریابند که اگر چرخ تولید در حرکت باشد، می توانند مالیات عقب افتاده را وصول کنند، نه این که کارخانه را ببندند. «مهندس خاموشی، نماینده مجلس و رئیس اتاق ایران»

«در خلال فروردین و اردیبهشت، صادرات غیرنفتی سیر صعودی بسیار خوب داشته و در خرداد و تیرماه و سپس مرداد سیر نزولی و در بعضی رشته ها نوعی توقف در امر صادرات رخ داده است... سؤال این است که چگونه می توان یک کالای صنعتی صادراتی را که در جهان امروز، اکثر کشورها به دنبال فروش آن هستند و با انواع تسهیلات به خریداران با یکدیگر رقابت می کنند، تهیه و حمل کرد و ظرف سه ماه ارز آن را به کشور

برگرداند؟ تدارک استناد، جواز و صدور از کشور حدود ۱۵ روز طول می کشد. کلاً ظرف ۳۰ الی ۵۰ روز به کشورهای مختلف می رسد و خریداران زودتر از ۳ الی ۶ ماه قادر به پرداخت نیستند. در مورد بسیاری از محصولات کشاورزی وضع همین است و در مورد فرش و صنایع دستی حتی فروش بایست به اقساط ۶ الی ۱۵ ماه صورت گیرد. لذا با اطمینان می گویم: چنانچه سریع تر به این موضوع توجه نشود، صادرات غیرنفتی هم چنان سیر نزولی خواهد داشت. قبلاً نیز این نکته را تذکر داده ام که ما قادریم با سیاست گذاری صحیح در پایان برنامه دوم، حجم صادرات را نزدیک به مبلغ صادرات نفت برسانیم و از مرز ده میلیارد دلار عبور کنیم، ولی با سیاست های جدید، ناچار از پس گرفتن گفته های قبلی هستیم. به نظر می رسد از اهداف برنامه دوم در امر صادرات، به سرعت دور می شویم و ترس این را دارم در پایان برنامه دوم با تداوم روش های فعلی، به حجم مبلغ اول برنامه پنج ساله اول نیز نرسیم... با اطمینان به همه مسئولان می گویم در شش، هفت سال اخیر که مسئولیت اداره اجرایی کشور در دست با کفایت حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی قرار گرفته، هیچ گونه انتقال برنامه و انتقال دارایی از محل صادرات غیرنفتی به خارج صورت نگرفته و نمی گیرد. صادرکنندگان برای ادامه کار نیاز می ریم به گردش سرمایه در داخل کشور داشته و آن ها که به فکر انتقال سرمایه خود هستند، نیاز به کانال صادرات ندارند. از طرفی بازارهای فعلی صادراتی به دست آمده که از آغاز برنامه ۵ ساله اول تا امروز یعنی ظرف مدت ۷ سال، حجم آن بیش از پنج برابر افزایش یافته با ادامه روش فعلی قطعاً به رقبای کشورهای بیگانه واگذار خواهد شد. خریداران فرش به سوی فرش هند و پاکستان و چین رو می آورند. خشکبار به سوی آمریکا و ترکیه و تایوان و البسه به سوی مالزی، چین و تایوان و دیگر اقلام صادراتی اعم از سنتی و صنعتی هر کدام به کشورهای رقیب منتقل خواهد شد و اگر چنین شود، پس گرفتن این بازارها حداقل پنج تا ده سال وقت جدید می طلبد و بسیار هزینه خواهد داشت.» (عسکروالادی، نامه اتاق بازرگانی، مرداد ۷۴)

«ما صادرات را برای کشور می خواهیم، دولت مخالف صادرات غیرنفتی نیست. همه چیز را برای کشور می خواهیم. در بعضی مواقع مجبورید سیاست های کوتاهی را خلاف آنچه به آن اعتقاد دارید، اتخاذ کنید... گاه بر اثر فشارهایی که وارد می شود، مسئولان ناچارند تصمیماتی بگیرند و از متلاشی شدن اقتصاد جلوگیری کنند. سیاست های صادراتی اصل است.» (دکتر کلاتری، وزیر کشاورزی در سمینار بررسی مشکلات و تدوین نظام صادراتی کشور در تبریز)